

جایگاه زن در ضرب المثل های عربی و فارسی

محمد سعیدیان تبار^۱

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

مثل یکی از بارزترین شاخه های فرهنگ عامیانه ادب شفاهی و چون آینه ای روشنی فرهنگ و سنت حاکم بر جوامع در آن نمایان است و از جمله می توان به نوع نگرش به زن به علت بودن در کانون توجه فرهنگی اشاره نمود. زن در غالب امثال فارسی و عربی با صفاتی منفی نمایان می شود گرچه گاهی نیز تحسین می شود مجاورت دو ملت ایران و عرب در طول تاریخ پیوندهای دو جانبه از لحاظ سیاسی و فرهنگی را ایجاد کرده است و از آنجا که در تمام روابط و پیوندها زبان نقش میانجی را ایفا می کند تاثیر گذاری و تاثیر پذیری دو ملت در عناصر زبانی امری روشن است در این مقاله سعی شده است مثل های عربی و فارسی با محوریت زن به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد تا به بازنمایی زنان در ادبیات دو ملت با تکیه بر امثال بپردازد.

واژه های کلیدی: زن، ضرب المثل فارسی، ضرب المثل عربی، تمثیل، جامعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

یکی از شاخه های فرهنگ عامیانه ، ادبیات شفاهی است که بارزترین آن را در امثال می یابیم . امثال در واقع نه تنها جزء ذخایر و میراث فرهنگ ملی هستند ، بلکه به عنوان بخشی از میراث فرهنگ جهانی نیز شناخته می شوند . مثل جمله ای است کوتاه ، مشهور و گاه اهنگین ، حاوی اندرزها ، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی ، مشتمل بر تشبیه ، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ و روشنی معانی در میان مردم رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر به کار می برند. (ذوالفقاری ، ۱۳۸۸ ، ۲۵).

یکی از انواع گفتمان ، گفتمان ضرب المثل ها و اصطلاحات رایج در هر زبان است که کاملاً فرهنگ بنیاد بوده و ارزش جامعه شناختی - زبان شناختی دارد . مورنو در باب اهمیت ضرورت ضرب المثل ها می گوید : ضرب المثل ها پدیده هایی مفهومی و جهانی اند که برای شناخت ملت ها و تحول فکری آنها منبعی مناسب و مهم به شمار می روند و می توان آنها را برای اطلاع رسانی درباره دانش مردمی منبعی غنی و جالب دانست که دانش زمینه ای و باورهای فرهنگی را در هر جامعه ای شرح می دهند. (Moreno , ۲۰۰۵،۴۳).

از جمله مطالعات مقایسه ای بین فرهنگی که میتواند به پژوهشگران و جامعه شناسان کمک های زیادی نماید ، مطالعات فرهنگی مربوط به زنان است ، ان هم از متن امثال که چون از دل مردم نشات گرفته ، حرف دل آنها را هم با خود آورده است . زنان به عنوان نیمی از جامعه به سبب ویژگی ها و نقش های اجتماعی و خانوادگی همچون همسری ، مادری ، فرزند و خواهری و .. پیوسته مورد نگاه های ویژه در موقیعت ها و شرایط مختلف بوده اند و برای این که وضع اندیشه عمومی درباره زن در جوامع مختلف معین گردد یکی از راه ها این است که ضرب المثل های ان جوامع را در باره زن مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم و طرز تفکر مردم را در این زمینه بیابیم. تصویر زن در ضرب المثل ها ، درارای دو بعد منفی و مثبت است . در ضرب المثل های جهانی ، به عبارتی بر می خوریم که دیدگاهی منفی و خصمانه نسبت به زن را انعکاس می دهند . از جمله : کسی که به زن اطمینان می کند گویی بر روی یخ می نویسد ، زن مویش دراز و عقلش کوتاه است . (الکندری و ملک ، ۲۰۰۹ ، ۱۷۸).

ضرب المثل های بسیاری وجود دارند که به ستایش جایگاه والای زن پرداخته و صفات نیک او را ستوده اند . پس جایگاه زن در طول تاریخ و در دوره های مختلف ، دارای فراز و نشیب فراوانی بوده است که در ادبیات ملتها و بویژه در ضرب المثل ها ، بازتاب یافته است. پرداختن به موضوع ضرب المثل ها به عنوان یکی از زمینه های تلاقی دو فرهنگ عربی و فارسی ، اهمیت بسیاری دارد . کنکاش در مورد ریشه امثال و یافتن آنها در دو زبان ف می تواند زوایای جدیدی از پیوند دو ملت را روشن کند . در این زمینه تحقیق در مورد جایگاه زن در مثل های عربی و فارسی موضوعی جدید است که به بررسی تاثیر پذیری دو فرهنگ عربی و فارسی در ترسیم جایگاه زن می پردازد.

زن ، متناسب با ویژگی های مختلف اجتماعی و جسمی خود ، گستره و حضور پررنگ و وسیعی در مثل های عربی و فارسی دارد و این حضور به دنبال نقش گذار زن در زندگی خانوادگی و اجتماعی اوست . در زمینه اجتماعی و خانوادگی او مادر ، زن ، خواهر ، دختر ، معشوقه ، کنیز و ... است و از جانب جسمی نمایانگر و جلوه گر آفرینشی خاص است که جانهای مشتاق را به خود جذب میکند و همه را محو تماشای جمالش میکند

۲- پیشینه تحقیق

کتابها و مقالاتی که به نوعی به این پژوهش مربوط می شود وجود دارد که به تعدادی از آنها اشاره می شود :

در زمینه ای تطبیق ضرب المثل های عربی و فارسی ، کارهای متعددی انجام گشته است که به شرح زیر می باشد : پایان نامه عندلیبی تحقیق درباره امثال قرآن و معادل های آن در ضرب المثل های فارسی نوشته است که در مجله گلستان قرآن در مرداد ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است . در این تحقیق به بررسی تطبیقی امثال قرآن در زبان فارسی می پردازد ولی تطبیقی در غیر امثال قرآنی با مثل های فارسی صورت نگرفته است . در حالی که مقاله حاضر به بررسی تطبیقی جایگاه زن در مثل های عربی و فارسی می پردازد .

مقاله بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال حکم دهخدا نوشته ناهید شاملو که در مجله پژوهش نامه ی فرهنگ و ادب در بهار و تابستان ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است در این تحقیق جایگاه زن تنها در ضرب المثل های فارسی مورد بررسی قرار گرفته در حالی که این مقاله به بررسی جایگاه زن در ضرب المثل های عربی و فارسی می پردازد.

مقاله ارزش فرهنگی ترجمه ضرب المثل ها و کنایات عربی و فارسی نوشته شهریار نیازی و حافظ نصیری که در مجله زبان پژوهی که در پاییز و زمستان ۱۳۸۸ چاپ شده است . این مقاله بیشتر به اهمیت ترجمه ضرب المثل ها در زمینه فرهنگی می پردازد ولی در زمینه تطبیقی کاری انجام نداده است در حالی که این مقاله به بررسی تطبیقی ضرب المثل ها با محوریت زن در زبان عربی و فارسی می پردازد.

مقاله پژوهش های تطبیقی بین فارسی و عربی (گذشته ، حال ، چشم انداز و آینده) نوشته حیدر خضری که در مجله کاوش نامه ی ادبیات تطبیقی در تابستان ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است ، این مقاله به طور خاص به بررسی تطبیقی ضرب المثل ها در دو زبان نپرداخته است ف بلکه به طور کلی به بررسی های تطبیقی در عربی و فارسی می پردازد.

مقاله بررسی تطبیقی ساختار و درون مایه ی لالایی های فارسی و عربی نوشته حسین کیانی و سعیده حسن شاهی که در مجله مطالعات ادبیات کودک در پاییز و زمستان ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است . این مقاله در زمینه مقایسه ساختار لالایی های عربی و فارسی است و به بررسی مشترکات و تفاوت های آن می پردازد و در آن اشاره ی به تطبیق ضرب المثل های عربی و فارسی نشده است .

کتابهایی در زبان فارسی :

سیمای زن در فرهنگ ایران تالیف جلال ستاری : این کتاب تفکری است در باب جنبه های علمی و نظری برخورد با زنان در فرهنگ ایرانی و موقعیت و منزلت زنان را از دید خواص و عوام نشان می دهد و جنبه های مثبت و منفی آن را بررسی می کند.

چند کلمه از مادر شوهر نوشته بنفشه حجازی : این کتاب شامل امثال و حکم مربوط به زنان در زبان فارسی است .

تاثیر فرهنگ اسلامی بر امثال فارسی محقق این اثر (لطف اله یارمحمدی) با استفاده از کتاب دوازده هزار مثل فارسی به بررسی تاثیر فرهنگ اسلامی بر امثال و حکم پرداخته است .

و در زبان عربی :

"تناقض الامثال و الحکم فی المراه المجتمع " مقاله ای است کوتاه که نویسنده آن نبال الامیونی به بررسی امثالی پرداخته است که در بعضی از آنها زن ارزش والایی برخوردار است و در بعضی دیگر برعکس.

"صوره المراه فی الحياه البومیه من خلال الامثال الشعبیه " ، نویسنده این مقاله صفوت کمال به بررسی چهره زن در امثال شعبی در کشور مصر پرداخته ، بیان داشته است که این چهره را هنوز هم در زندگی امروزی زنان مصر می بینیم.

" ضرب المراه قبل الغداء و بعد العشاء " مقاله ای است به قلم عادل سالم . نویسنده در این مقاله به بررسی امثالی پرداخته که مقام زن در جامعه را پایین آورده است.

صوره المراه فی الامثال الشعبیه الاردنیه (۲۰۱۱) ، صالح سویلم الشرفات.

المراه فی الامثال و الاقوال ، رویه معاصره (۲۰۰۷) ، رغه شریم .

صوره المراه فی الامثال الشعبیه (درسه موازنه بین الموصل و الحلب) (۱۴۳۱) ، محمد العبیدی ، علی احمد.

در مورد تطبیق ضرب المثل های فارسی و عربی نیز مقاله ای با عنوان " بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات (۱۳۹۲) ، توسط سید مهدی مسبوق و مریم برزگر به چاپ رسیده است .

اما تاکنون پژوهش تحلیلی - مقایسه ای در این زمینه بین امثال عربی و فارسی صورت نگرفته است.

۳- مثل

واژه امثال برگرفته از "مَثَل" و "مِثْل" است و در زبان عربی به معنای همتا و مانند ، برهان و دلیل ، مطلق سخن و پند و عبرت بکار رفته است. (ابن منظور، ۱۳۶۳). و در تعریف اصطلاحی "مثل" گفته اند: " جمله یا ترکیبی است مختصر و مفید ، مشتمل بر تشبیه یا مضمونی حکیمانه که به سبب روانی لفظ ، روشنی معنا و لطف ترکیب ، قبول عام یافته است و همگان آن را بدون تغییر یا با اندک تغییری در محاورات خود به کار می برند . (بهمنیار ، ۱۳۶۹ ، ۵۲). همچنین اختصار لفظ ، صحت معنا ، حسن تشبیه و لطف کنایه را از حمله ویژگی های ضرب المثلها دانسته اند. (رضایی ، ۱۳۸۲ ، ۱۰۵).

دکتر عبدالمجید قطاش که از صاحب نظران عرب است ، می نویسد : مثل و تمام مشتقات آن از ریشه ثلاثی "مثل" برگرفته شده است . در مورد معنی واژه " ضرب " در ضرب المثل نیز از قدیم الایام اختلاف نظرهایی وجود داشته است . گروهی بر این عقیده اند که : از " الضرب فی الارض " به معنی به جاهای دور دست رفتن گرفته شده است و بعضی گویند : از " ضرب الخبا " به معنی چادر زدن گرفته شده است . و " ضرب الموعد " یعنی مشخص کردن وقت . و " ضرب الدراهم " سکه زنی به وسیله چکش ، زیرا مثل ها مانند چکش که در سکه اثر می گذارد ، در نفس بشری اثر می کند ، و از " ضرب و ضریب " به معنی مثل و مانند و از " ضرب الخاتم " زیرا مثل مانند مهر انگشتی در ذهن آدمی اثر می گذارد. (قطامش ، ۱۹۸۸:۱۱). مثل عبارت پرمعنی است که شهرت یافته ، در خور شهرت و قبول عامه باشد ، اعم از اینکه مبتنی بر قصه و داستان و مورد و مضرب باشد یا نباشد. (عقیقی ، ۱۳۷۱:۱۹۵).

۳-۱- شرایط و ویژگی های مثل

آنچه مسلم است ، اینکه هر سخن که بخواهد قابلیت مثل یافتن ، در امتداد زمان در افواه مردم ساری و جاری باشد ، باید خصوصیات و ویژگی هایی داشته باشد که از آن جمله است :

۱. آن سخن باید از هر گونه تعقید لفظی به دور باشد تا بتواند پیام را به گوش شنونده برساند.
۲. اینکه سخن طولانی و ملال انگیز نباشد.

۳. شنونده از شنیدن آن احساسی خوشایند داشته باشد و رسایی و زیبایی سخن فکرش را برای فهم معانی آن و درج آن سخن در ذهنش جذب کند.

در مثل چهار چیز مجتمع است که در دیگر سخنان جمع نمی شود و آن عبارت است از:

۱. اختصار و ایجاز لفظی.
۲. روشنی و وضوح معنی .
۳. خوبی و نیکویی تشبیه.
۴. لطف کنایه.

و این آخرین پایه بلاغت است که بالاتر از آن متصور و ممکن نیست. (المیدانی، ۱۹۷۲: ۶).

پس در یک کلام می توان گفت که مثل های ماندگار یا همان امثال سایه، دارای سه عنصر اساسی اند که عبارتند از:

۱. گوینده آگاه.
۲. مخاطب آشنا.
۳. رنگ نباختن در گذر زمان (ایروانی زاده، ۱۳۸۴: ۶۵).

۴- زن

زن موجودی است با جمال و جلال عشق، که بار می گیرد و می زاید و با مهر زندگی می آفریند. زن مظهر آرمانی عشق است. او همانند شعر در خلق مدام است. زن رمز طبیعت است. به طوری که توانسته راز طبیعت را بشکافد و آن را بشناسد. پس جای شگفتی نیست که در وصفش گفته اند، زنان هر سرزمین، شعر آن سرزمین اند، شعری که چون دریا موج است. زن در ادبیات غنایی همواره به عنوان نماد لطف، زیبایی و عشق، ستایش شده است؛ حتی در اشعار عرفانی، رمزی از حق تعالی قرار گرفته است. اما نگاهی به ادبیات تعلیمی و عامیانه ما را با واقعیتی تاریخی که با این چهره ی آرمانی فاصله ی بسیار دارد، رو به رو می کند. این گونه نگرش به زن، محدود به فرهنگ خاصی نیست و گویا متأسفانه جهان گیر است. جامعه ی ایران نیز همانند هر جامعه ی دیگری، نسبت به زن دیدگاه های مثبت و منفی دارد که می توان با مطالعه ی ادبیات، بخصوص امثال وحکم، شناختی نسبی از آن به دست آورد. چرا که امثال و حکم هر ملت نمایانگر اندیشه ها، آرمان ها و واقعیت های تاریخی، سیاسی و اجتماعی آن ملت است؛ به طوری که با بررسی و تحلیل این امثال می توان راهی برای شناخت بهتر جامعه گشود. (قائم زاده، ۱۳۷۳).

۴-۱- زن، هم ریشه با زندگی و زاینده

واژه زن در لغت نامه دهخدا "از ریشه پهلوی زن است" و با ژینای یونانی از یک اصل می باشد و در اوستا "جنی" بوده است. دهخدا، ۱۳۷۷، ۹/۱۲۹۳۴. و گمان می رود با واژه گانی چون "ژی" که صورتی از "زی" و "جی" به معنای جان و زندگی است. "زه" به معنای زادن "چنانکه گویند درد زه، یعنی درد زادن". (همان: ۱۳۰۲۴). "زهو" صفت نسبی و صورتی دیگر از "زاهو" و "زائو" بر ساخته از دو بخش "زه": زادن + "و": دارا و صاحب، و همچنین با "زهی" به معنای زاینده، از یک ریشه باشد، و شاهد این مدعا آن که واژه "زن" گاهی به صورت "زه" نیز در برخی متون مشاهده شده است. و زن همواره در بسیاری از فرهنگ ها مظهر و نماد رایش است. "ادم" در زبان عبری به معنای خاک است، اما "حوا" من گمان می کنم از ریشه "حی" و به معنای بسیار زاینده، همیشه زنده و جاویدان باشد. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۵۵).

بر اساس دیکشنری آکسفورد لاتین، زن در زبان لاتین که ریشه همه زبانهای اروپایی است همتای واژه "femina" است. و در برابر واژه "virus" قرار میگیرد (مروود، ۱۹۱۳: ۱۰۷ و ۲۸۵). از این ریشه، واژه "virus" را داریم، که شاید دارای

پیوندی با ریشه وازه مرد باشد، که در پارسی باستان "مرتین" بوده است، و با جستار بیشتر بتوان به باورهای مشترک در زبان شناسی ملل دست یافت.

۲-۳- جایگاه زن در جوامع ایرانی و عربی

درباره جایگاه زن در تمدن های کهن در منابع تاریخی مطالبی آمده که تقریباً بین ملتهای مختلف یکسان است، مثلاً گفته شده: "در تاریخ ایران باستان، بطور کلی زنان تحت قیمومیت رئیس خانوار بودند و سرپرست خانواده، می توانست زنان و کودکان خود را بفروشد و یا درباره آنها تصمیماتی دل خواهانه بگیرد ف زنان از بهایم کمتر به شمار می آمدند و وضعی بس رقت بار داشتند". (فائمی زاده ۱۳۷۳: ۴۲).

زن دارای هیچ مالکیتی نبود، حتی اگر هدایایی نصیب او می شد، متعلق به رئیس خانواده بود. (حجازی، ۱۳۷۰: ۱۸۷).

آنان حتی حق خارج شدن از خانه را نداشتند، چنانکه گفته شده: "زنان و دختران ایران تا پیش از نهضت مشروطه بندرت در کوچه و بازار دیده می شدند. آنها تنها برای رفتن به حمام یا منزل اقوام و نزدیکان از خانه خارج می شدند". (آرین پور، ۱۳۷۴: ۵).

در مصر باستان و در عصر فراعنه نیز بسیاری از مردان، برده زر خرید فرعونیان زمان خود بودند و از خود اختیاری نداشتند. واضح است که موقعیت زنان نیز به مراتب فروتر از مردان بود. "زندگی آنها تحت فشاری مضاعف بود و وضعی بس رقت بار داشتند، برده ای بودند تحت حکومت بردگان". (فائمی زاده، ۱۳۷۳: ۴۴).

با توجه به اسناد و مدارکی که در دست است، وضع زنان در شبه جزیره عربستان از سایر نقاط جهان دردناکتر بود و این شاید به علت جهل بیشتر و توحش زیادتر مردم آن سرزمین بود. زنان در این منطقه حق حیات نداشتند تا حدی که برخی از اعراب دختران تازه ولادت یافته خود را زنده به گور کرده از شنیدن خبر ولادت دختر رنگ از رخسارشان می پرید، خود را از مردم پنهان می کردند و در این اندیشه بودند که او را با خفت و خواری نگهدارند و یا زنده به گورش سازند. (نحل، ۵۹/۵۸).

در میان ملت عرب، مرد خداوندگار زن محسوب میشد و پدرشاهی در میان آنان رسوخ تام و تمام داشته است. در صورت مرگ شوهر، فرزند او مجاز بود ف نامادری خود را به نکاح خود در آورد و یا با منع از ازدواج مجدد، او را در خانه خود زندانی نماید. تا پس از مرگ زن، وارث اموال او شود. (افغانی، ۱۳۸۹: ۲۶).

۳-۳- سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی

هر چند در امثال و حکم فارسی و عربی نگاه مثبت به زن ف بخصوص آنجا که در نقش مادر ظاهر می شود، نیز یافت می شود، اما نگاه ها به او بیشتر منفی است. زن در این امثال موجودی است کم خرد، ناقص الخلقه، سست رای و مستوجب حصر در خانه و ... که در ادامه به بررسی نمونه هایی از آن و بازگو نمودن موضع اسلام در قبال آن می پردازیم:

۱. سست رای بودن و قابلیت مشورت نداشتن: یکی از مضامین مکرر در ادبیات رسمی و عامیانه فارسی، تهی کردن مردان از مشورت با زنان است. از امثال می توان دریافت که مرد ایرانی در گذشته حتی راجع به اساسی ترین مسائل زندگی از مشورت با همسر خود دریغ می نموده است. چنانکه آورده اند: "هر گز نبینی زنی را رای زن" (دهخدا ۱۳۸۵: ۴، ۱۹۷۱). این طرز فکر گاهی تا آنجا پیش می رود که پیشینیان معتقد بودند اگر مرد از زن اطاعت کند عنوان مردی از او ساقط می شود و زن لقب می گیرد.
۲. کم خرد و ناقص العقل بودن: کم خردی یا نقص عقل از دیگر صفات منفی نسبت داده شده به زنان در امثال فارسی و عربی است. بر اساس این دیدگاه زنان هرگز با قوه عقل و تدبیر به انجام امور نیم پردازند. هر چند که این دیدگاه منفی نسبت به زن بر امثال عربی نیز سایه افکنده است، لیکن گاه دید منصفانه تری نسبت به زن دیده می شود، مثلاً در مثلی حقوق آنان را مانند مردان دانسته می گوید: ان النساء شقائق الاقوام: به درستی که زنان همتای مردانند. (میدانی، بی تا: ۲۵/۱). اما در زمینه درایت و تدبیر، امثال عربی نیز زنان را ناقص العقل و هوش و فهم آنان را در نهایت منتهی به حماقت و نادانی می داند: لب المراه الی حمق: عقل و خرد زن او را به حماقت رهنمون می شود. (همان: ۱۳۴/۲).
۳. سزاوار تنبیه بودن: در ادبیات کهن فارسی و عربی، زنان را به خانه نشینی ملزم دانسته اند و زنانی را که از این امر سرپیچی کنند محکوم به ضرب و جرح می دانند. از جمله شواهدی که نشان دهنده نگاه منفی به زن در امثال و حکم فارسی است، وجود امثالی است که در آنها کتک زدن زن تجویز شده است: "زن یعنی بزن". (شکور زاده، ۱۳۷۲: ۴۳۶). البته تمامی امثال دارای این رویکرد نیست و گاه نمونه هایی می توان یافت که به لطافت روحیه زن اهمیت می دهند: "زن را نباید زد حتی با یک شاخه گل". (شکور زاده، ۱۳۷۲: ۴۳۴).

۵- امثال در باب زنان در دو زبان عربی و فارسی

۱. ضرب المثل هایی که به چهره زن (زشتی و زیبایی) می پردازد.
 ۲. ضرب المثل هایی که عواطف زنان را منعکس می کند.
 ۳. ضرب المثل هایی که به تبیین جایگاه زن در خانواده می پردازد.
 ۴. ضرب المثل هایی که به بیان رابطه زن و مرد می پردازد.
- ۱- زیبایی و زشتی چهره زن: زیبایی جسمی زنان مورد توجه بسیاری از مردان و یکی از مواردی است که در هنگام همسرگزینی آن را مد نظر قرار دارند. در زبان عربی برای نشان دادن زیبایی زن آن را به زیباترین چیزهای موجود در طبیعت، تشبیه مو برای بیان زشتی نیز آن را به زشت ترین چیزها تشبیه می کند. مانند این ضرب المثل: در زمینه زیبایی های ظاهری این مثل (ابهی من القمر بن) (المیدانی، ۱: ۲۰۹).

خورشید و ماه نقش مهمی را در زندگی انسان ایفا میکنند آنها موجب روشنایی و نور در روز و شب هستند به علاوه زیبایی و درخشندگی این دو باعث شده است که با چهره زن مقایسه شود. استفاده از صیغه (افعل) در این مثل، بر اساس متساوی و نزدیکی نیست بلکه بر اساس مبالغه و برتری است زن زیبا، زیبایی اش از خورشید و ماه بیشتر است. و این به دلیل رغبت و میل جامعه به زنان زیبارو و تلاش برای رسیدن به آنها است. زیبایی جایگاه مهم و ضروری را برای زن دارد که اسباب برتری اس بر دیگران را فراهم می سازد. عرب ها لاغری زن را، عیب و زشتی می دانند پس می گویند (اصبح هزلیلین الفرس و المراه). این مثل به این اشاره دارد که عرب به زن مانند اسب نگاه میکند. همانطور که اسب نیاز به توجه و نگهداری دارد، زن نیز اینگونه است. زیبایی زن را با زیبایی اسب مقایسه می کند و چاقی را در هر دو مورد علامت زیبایی می داند. و دیدگاه سلبی

آنان از زشتی در این مثل نشان داده د ، عرب زیبایی طبیعی زن را می پسندد نه زیبایی که با زینت و آراسته کردن خود ، به دست می آید. اما در زبان فارسی بعضی از مردان ازدواج با یک زن زیبا را یکی از موجبات نگرانی خود بر می شمارند. مانند این مثل : (زن زیبا بهشت چشم ، جهنم روح ، دوزخ کیف پول است .) (اسدی، ۱۳۹۰ ، ۱۶۳).

۲-عواطف زنان :

۱. عشق مادر به فرزندانش که گرمی بخش خانواده است ، در ضرب المثل‌های هر دو زبان ، به چشم میخورد . مانند این ضرب المثل (القرنی فی عین امها حسنه) (المیدانی ، ۴۸۲ ، ۲) . که معادل آن درفارسی عبارت است از (سوسک به بچه اش میگوید قربان دست و پای بلوری ایت بروم) . (موسوی، ۱۳۸۷ ، ۵۴۱) . این تطبیق نشان میدهدکه عواطف مادرانه امری ثابت و تغییر ناپذیردر همه ملت‌هاست.

۲. غم از دست دادن فرزند ، امری جانکاه است که در هر دو زبان بدان پرداخته شده است . مانند این مثل (الثکلی یحب الثکلی) (المیدانی ، ۲۸۶:۱) در فارسی این مفهوم بدین صورت تکرار گشته است : بچه مرده ، غم بچه مرده را میداند . مصیبت‌ها و اثر آن بر روی افراد نیز امری مشترک در میان همه انسان است که نمود این مشترکات در ضرب المثل‌ها ف به مراتب بیشتر است . از طرفی دیگر از دست دادن فرزند باعث می شود تا مادر نسبت به فرزند دیگرش که قبل از این نسبت به او عطوفتی نداشت ، مهربان شود ، مانند این مثل : تکل ارامها و لدا) (المیدانی ۲۸۶/۱) .

۳. غم از دست دادن همسر ، در زمینه از دست دادن همسر که هر زنی ممکن است به آن دچار شود مثلی است که بیان می کند هر زنی روزی شوهرش را از دست خواهد داد . (کل ذات بعل ستیم) (المیدانی ، ۶/۳) . این عمومیت گرفتن ، شاید حاکی از شرایط زندگی آن زمان باشد که مردان در آن به طور مداوم مشغول درگیری با طبیعت ، برای به دست آوردن رزق و روزی خود بودند ، شرکت در جنگ‌ها نیز می تواند عاملی دیگر باشد .

۳-جایگاه زن در خانواده : در دوران قبل و بعد از اسلام زن در همه ادیان الهی جایگاهی خاص داشته است که از او به الهه مادر ، الهه دختر(آناهیتا) ، الهه همسر(آرتیمس) یاد شده است . بعدها در دوران اسلام ، آمنه ، خدیجه ، و فاطمه جایگزین آنها می شوند . در حقیقت در دیدگاه فرهنگی ایرانیان زن و مرد در خلقت برابرند ، اما نمی توان اذعان کرد که در نگرش اجتماعی هم دیدگاهشان نسبت به زن کاملاً مثبت باشد. اما در بین اعراب ، زن قبل از اسلام جایگاهی پایین داشته است اما با آمدن اسلام نگاهی نو نسبت به زن در بین آنها شکل گرفت که باعث ارتقای جایگاه زن در جامعه شد. خانواده ، پایه بنیادین اجتماع و سلول سازنده جامعه انسانی و خشت بنای جامعه و کانون ازدواج مرحله ای مهم از زندگی زنان است که پس از آن مرحله جدیدی از زندگی آنها آغاز می شود در ضرب المثل‌های فارسی به ازدواج دختران در سن پایین تاکید شده است ، دختران به علت برخورداری بودن از شرایط فیزیکی و جسمانی خاص ف زودتر از پسران به بلوغ جسمی و جنسی می رسند و در برخی ضرب المثل‌ها ه عجله و شتاب جامعه نسبت به ازدواج دختران در سنین پایین اشاره شده است که حکایت از اهمیت ازدواج برای زنان نسبت به مردان دارد. بخش اعظم هویت زنان با ازدواج و ورود به خانواده شکل رگفته و رسمیت می یابد . به همین دلیل برای زنان ، ازدواج جایگاهی ویژه دارد که در ضرب المثل‌های بسیاری به شکل‌های مختلف به آن پرداخته شده است . (امین‌الرعایا ، ۱۳۹۳ ، ۱۱۱) .

به دنیا آوردن فرزند نیز ، یکی از وظایف زن است که امری مطلوب در هر دو ملت به شمار می رود و این امر را می توان در شیوه زندگی دو ملت و نیاز به فرزند برای یاری کردن خانواده در امور مختلف زندگی ، جستجو کرد . در این میان فرزند پسر از محبوبیت بیشتری برخوردار است که می تواند به دلیل قدرت بدنی پسر و عدم محدودیت‌ها به او نسبت به فرزند دختر باشد . این مثل در زبان عربی شاهدهی بر سخن قبلی است (انجب من ام بنین) یعنی مادری که بیش از سه پسر دارد . در ضرب المثل‌های فارسی نیز این امر به چشم می خورد ، مانند (زن تا نزیاییده بیگانه است).

۴- رابطه زن و مرد: در این زمینه امثال زیادی وجود دارد که رابطه زنان و مردان را بر اساس ارزش هایی که مرتبط، به آبرو، اخلاق، عفت است و از جانبی دیگر هنجار گریزی هایی که در جامعه حاکم گشته است، بررسی می کند. زن تا هنگامی که خودش نخواهد، کسی نمی تواند لطمه ای به شرفش وارد کند. این مثل برای کسی که با رضایت خودش دست به عمل غیر اخلاقی می زند، در فارسی نیز این مثل (زن بد را اگر در شیشه بکنی کار خودش را می کند) این امثال نشان می دهد که عفت و پاکدامنی و پایبندی به آن امری پسندیده و مشترک در میان دو ملت است که عدم پایبندی به آن موجب گسترش فساد و بی حیایی در جامعه می شود. این مثال نیز به این مفهوم دلالت میکند که: (المتلزمها حبالها، متلزمها و رجالها) زنی که پیوند زناشویی، او را از ارتکاب فحشاء باز نمی دارد، از خویشاوندان خود هنگام اقدام به این عمل ناپسند ترسی ندارد. این مثل را در مورد زنی که بدون هیچ ترس و حیایی دست به کار ناپسند می زند گفته می شود، در فارسی نیز ضرب المثلی در مفهوم مقابل این ضرب المثل وجود دارد (زن صندوقچه ناموس مرد است) (شکور زاده، ۱۳۷۲، ۴۳۴).

نتیجه گیری

تحلیل جایگاه زن در امثال و حکم فارسی و عربی ما را به این نتیجه می رساند که زن در این امثال و در جوامع گذشته فرهنگ ایرانیان و عربها جز در اندک مواردی همواره مورد تحقیر، بی مهری و خوارداشت قرار گرفته است. از منظر امثال، زن جنسیتی پست و ناقص است که تمام اعمال و حرکات او تحت الشعاع نقص او قرار گرفته است. مقایسه این جایگاه با جایگاهی که زن در اسلام و مهمترین منبع آن، یعنی قرآن نشان می دهد که این دو جایگاه درست در نقطه مقابل هم قرار دارند. بر خلاف امثال و حکم، زن در اسلام و قرآن دارای مقامی بسزا و والا است. اسلام هرگز به زن از منظر جنسیت نگاه نکرده است، بلکه از منظر انسانی به او نگرسته که از جنبه انسان بودن و به زن بودن هیچ تفاوتی با مرد ندارد و خداوند به همان میزان که راه دست یابی به سعادت و کمال را برای مرد باز گذاشته، برای زن هم باز گذاشته است. از منظر اسلام جنسیت نمی تواند تعیین کننده نقص و کمال باشد، بلکه بر پایه محتوای قرآنی، کمالات انسانی در پرتو مبدا شناسی و رسالت شناسی بدست می آید و این شناخت در نهایت موجد تقوا است که طبق نص صریح قرآن "ان اکرمکم عندالله اتقاکم" (حجرات/۱۳). ملاک برتری انسانی بر انسان دیگر می شود.

در این پژوهش با مطالعه جنسیتی زبان از طریق ضرب المثل های عربی و فارسی، به این نتیجه میرسیم که نگاه منصفانه ای نسبت به زن در طول تاریخ وجود نداشته است و با توجه به تغییرات جامعه امروز به نفع زن، لزوم تغییر در رویکرد ضرب المثل ها در هر دو زبان احساس می شود. نتایج این تحقیق نشان می دهد که ایرانیان و اعراب در نتیجه تبادل فرهنگی بعد از اسلام دیدگاه های تقریباً یکسانی در مورد زن دارند. به گونه ای که محتوای برخی از ضرب المثل های عربی به مفهوم متضاد تبدیل شده یا معنای حکمی جدیدی به خود گرفته است. ساختار مثل های ذکر شده، جایگاه های واقعی زن را آنچنان که باید نشان نمی دهد و عمدتاً به برجسته کردن جنبه های منفی شخصیت زن تاکید دارد. جایگاه زنان در این امثال متغیر است ف گاهی با زبان محترمانه خطاب می شود و در اوج است و گاهی با داوری های بی رحمانه تا حد ابلیس پیش می رود. زن در ضرب المثل های فارسی و عربی، بازتاب گسترده ای داشته است برخی از این ضرب المثل ها، به ستایش زن و نقش او در نظم و آسایش خانواده و جامعه پرداخته اند و تصویری زیبا و شایسته او ارائه داده اند اما در برخی از این ضرب المثل ها، جایگاه واقعی او نادیده گرفته شده و صفات نه چندان مناسبی به او داده اند و در برخی از آنها، در منفی نشان دادن تصویر زن، زیاده روی و بزرگنمایی شده است. ریشه بسیاری از این دیدگاه های استبداد و خود کامگی روسا، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی،

اقتصادی و عقاید دینی و مذهبی، در شدت وضعف چنین دیدگاه‌هایی موثر هستند. با این وجود این، زن نقش سازنده‌ای در جامعه دارد و یکی از دو رکن اصلی زندگی به حساب آمده است و این مسئله به خوبی در ضرب المثل‌های فارسی و عربی به تصویر کشیده شده است.

منابع

- آرین پور فیحی، ۱۳۷۴، از نیما تا روزگار ما، تهران، زوار.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۳۶۳، لسان العرب، المجلد الحادی عشر، قم، ادب الحوزه.
- بهمنیار، احمد ف ۱۳۶۹، داستان نامه بهمنیار، تهران، دانشگاه تهران.
- اسدی، سیف الله، ۱۳۹۰، گلچینی از ضرب المثل‌های جهان ف چاپ ششم ف تهران، اشجع.
- الافغانی، سعید، ۱۳۸۹، الاسلام و المراه، بیروت، دارالفکر.
- امین الرعايا، پروین و دیگران، ۱۳۹۳، بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب المثل‌های فارسی، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی شماره سی و چهارم.
- ایروانی زاده، عبدالغنی، ۱۳۸۴، الادب العربی و الایرانیون، تهران: سمت.
- حجازی، بنفشه، ۱۳۷۰ ف زن به ظن تاریخ، چاپ اول، تهران، شهرآب.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، امثال و حکم، چاپ دوم، تهران، امیر کبیر.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران با همکاری روزنه.
- ذوالفقاری، حسن، ۱۳۸۸، فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های فارسی، ج ۲، تهران، معین.
- رضایی، عربعلی، ۱۳۸۲، واژگان توصیفی ادبیات انگلیسی - فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
- شکورزاده ابراهیم، ۱۳۷۲، ده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم، ۱۳۷۲، ده هزار مثل فارسی و بیست هزار معادل آنها، مشهد: به نشر.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۶، داستان یک روح ف چاپ ۳، تهران ف فردوس.
- عقیقی، رحیم، ۱۳۷۱، مثل‌ها و حکمت‌ها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری، تهران: سروش.
- قائم زاده، علی، ۱۳۷۳، حیات زن در اندیشه اسلامی، چاپ اول ف تهران، امیری.
- قطامش، عبدالمجید، ۱۹۸۸، الامثال العربیه، سوریه: دارالفکر.

الکندری، لطیف حسن، محمد ملک، بدر، ۲۰۰۹، معموقات تربیه المراه فی الفكر التربوی الاسلامی و تداعياتها المعاصره، مجله البحث فی التربیه و علم النفس، جامعه المنیا، المجلد ۲۲، العدد ۲.

مروودا جیمز، ۱۹۱۳، دیکشنری آکسفورد کوچک لاتین ف چاپ اول، آمریکا.

موسوی، منوچهر، ۱۳۸۷، فرهنگ منظوم، منتور فارسی، چاپ دوم، تهران ف جهان رایانه.

میدانی، ابوالفضل احمد ابن محمد ابن ابراهیم النیشابوری، ۱۹۷۲ م. مجمع الامثال، دارالفکر.

المیدانی النیشابوری، ابوالفضل. (بی تا). مجمع الامثال، المجلد الاول و الثانی، القاہرہ، المطبعه المصریہ.

المیدانی، ابوالفضل احمد، ۱۹۷۲، مجمع الامثال، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه.

Moreno, M.L (۲۰۰۵). "An analysis of the cognitive dimension of proverbs in English and Spanish: The conceptual power of language reflecting popular believes", Retrieved from <http://www.pulib.sk/skase/Volumes/JTL۰۲/۰۴.pdf>.

